

## فصلنامه علمی- تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره هشتم، بهار ۱۴۰۱، ص ۴۰۵-۴۲۳

### اصول حاکم بر تربیت اسلامی، فواید، ویژگی ها و پیامدهای آن

آسیه ملکان<sup>۱</sup>

زینب جلیلی<sup>۲</sup>

کلثوم احمدی<sup>۳</sup>

فاطمه جعفری<sup>۴</sup>

#### چکیده

اصول تربیتی بنیانی هستند که در جریان تربیت، اجتناب ناپذیر است و به عنوان دستورالعملی کلی، تمام جریان تربیت را تحت سیطره و نفوذ خویش دارند و در صورت تخطی از آنها، رسیدن به هدف آرمانی تربیت دستخوش مخاطره می‌شود. هدف پژوهش حاضر، بررسی اصول حاکم بر تربیت از منظر آموزه‌های اسلامی است. روش تحقیق در این پژوهش، کتابخانه‌ای و گردآوری اطلاعات توصیفی - تحلیلی است. از مهم‌ترین اصول حاکم بر تربیت اسلامی مطرح شده در پژوهش حاضر که ما را به ساخت چارچوب یا نظام تربیتی مشخص رهنمون می‌سازد، چارچوبی که فرایند تربیت در آن آغاز، و به سرانجامی متناسب با شاخص‌های آن، نایل می‌شود. می‌توان به خدامحوری، تعبدمداری، عمل‌گرایی، اخلاق‌مداری، عدالت‌محوری و اعتدال‌گرایی، محبت‌محوری، آخرت‌اندیشی، آرمان‌گرایی و غیره اشاره نمود.

**واژگان کلیدی:** اصول، تربیت اسلامی، آموزه‌ها، اسلام، هدایت، آموزش و پرورش.

---

۱. سطح دو (کارشناسی)، رشته علوم حوزوی، از حوزه علمیه سعدیه، شهرستان رامیان، استان گلستان، کارشناسی ارشد، رشته نهج البلاغه (اصول دین و معارف علوی)، دانشگاه پیام نور قم، استان قم، ایران، مدرّس حوزه در سطح دو (کارشناسی)، و استاد دانشگاه گنبد کاووس و دانشگاه پیام نور، پژوهشگر و فعال فرهنگی، [asiyahmalakan ۱۲۳@gmail.com](mailto:asiyahmalakan123@gmail.com)

۲. کارشناسی ارشد، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، از دانشگاه قم، استان قم، ایران، آموزگار دبستان شهید نامجو، قم، پژوهشگر و فعال فرهنگی، [jalili.zeinab۱۳۶۲@yahoo.com](mailto:jalili.zeinab1362@yahoo.com)

۳. سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته فلسفه اسلامی، حوزه تربیت مدرّس حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها)، قم، مدرّس حوزه علمیه حضرت ثامن الحجج (علیه السلام)، شهرستان، پارس آباد، استان اردبیل، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، [Ahmadi۶۲۱۴۰۰@gmail.com](mailto:Ahmadi621400@gmail.com)

۴. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، شهر اراک، استان مرکزی، ایران، آموزگار و فعال فرهنگی، [fatemeh.jafari۲۷۰@gmail.com](mailto:fatemeh.jafari270@gmail.com)

## مقدمه

وجود اصول و قواعد کلی در مناسبات انسانی و مرجعیت آن برای تفسیر رفتارها آن چنان آشکار است که غالباً نیازی به بیان تشریحی آن وجود ندارد. بدیهی است که هیچ کنش و واکنش انسانی نمی تواند در خلأ و بدون ضابطه ای مشخص آغاز، و بی هدف پایان پذیرد. امر تربیت که یکی از زمینه های مهم در مناسبات انسانی است نیز از این قاعده مستثنا نیست. فعالیت های تربیتی، از جمله فعالیت های اساسی است که در حیات فردی و جمعی انسان، تأثیری انکارناپذیر دارد. این فعالیت ها برای تحقق اهداف مورد نظر، تابع اصل یا اصولی هستند. تربیت دینی، به معنای تلاش برای تغییر در نحوه تفکر و عقیده فرد به سمت تعالی است. به منظور ایجاد نوعی خاص از عمل و رفتار که متکی به ضوابط مذهب باشد، انجام می گیرد. در سایه این دگرگونی ها، اخلاق، آداب، رفتار و روابط فردی و اجتماعی شخص صورت مذهبی و دینی به خود می گیرد. تربیت دینی و مذهبی انسان از دوران کودکی و حتی پیش از تولد آغاز می شود. این مقاله با مطالعه اسنادی و تحلیلی به معرفی تربیت دینی و اصول آن پرداخته است. تربیت در فرهنگ اسلامی، علاوه بر مفهوم «پرورش» شامل تزکیه و پرورش معنوی نیز می شود. «پرورش» ویژه رشد، در مفهوم عام است. لذا پرورش جهت ندارد. اما تربیت رو به سوی ملکوت دارد. اجزای پرورش را آموزش تشکیل می دهد، اما اجزای تربیت را تعلیم. تعلیم به ادراک رساندن است، به شعور رسانده است. تعلیم نشان دادن حقایق به شخص مرتبی است. تربیت به عنوان فرایندی که نتیجه ی آن صرفاً در مقام عمل روشن می شود، دارای وجهه ای کاملاً عملی و کاربردی است. از این جهت، هرگونه تلاش نظری در چارچوب مفهومی باید ناظر به فواید عملی باشد. در این میان، نقش مبدل های نظری به عملی و انتقال دهنده ها روشن می شود. تبلور مفهوم مبدل در ماهیت اصل تربیتی، به عنوان آخرین مرحله ی نظر و سرآغاز اولین مرحله عمل تربیتی، مهم ترین نقشی است که ضرورت وجود اصول را در نظام تربیتی تبیین می کند.

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی تربیت

#### ۱-۱-۱. معنای لغوی تربیت

«تربیت» در لغت به معنی نشو و نمادادن، زیاد کردن، برکشیدن و مرغوب یا قیمتی ساختن (دهخدا، ۱۳۷۳، ۴، ۵۷۷۸) است.

تربیت از ریشه «ربو» به معنای زیادت گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۶، ۱۲۶) و اغلب بر فراهم کردن زمینه رشد استعدادهای آدمی دلالت می کند. این واژه از ریشه «رَبُو» به معنی زیادت، فزونی، رشد و برآمدن، گرفته شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، واژه ربو).

#### ۱-۱-۲. معنای اصطلاحی تربیت

در بحث تربیت انسان، مفهوم واژه تربیت، بر پرورش استعداد های انسان، یعنی فراهم ساختن زمینه رشد استعداد های آدمی دلالت می کند (ابوطالبی، ۱۳۸۸، ۱۷) و با توجه به فطری بودن دین، تربیت دینی در اسلام به عنای فراهم کردن زمینه های شکوفایی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در اعمال عبادی وی است (همان، ۲۳)؛ تربیت کودک در اسلام وظیفه ای است که خداوند آن را به والدین واگذار کرده است. این مسئولیت تنها در تأمین خوراک و پوشاک خلاصه نمی شود، بلکه شامل تربیت و آموزش اخلاق و مسئولیت پذیری به فرزندان نیز است.

رُب در اصل به معنی تربیت و پرورش است؛ یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی، تمام و کمال خود برسد. آنچه در تربیت روی می دهد، همین مفهوم است و البته نقش ایجادی در تربیت از آن «رَبُّ الْعَالَمِينَ» است و جز او همگی واسطه اند. بنابراین تربیت رفع موانع و ایجاد مقتضیات است تا استعداد های انسان از قوه به فعل در آید و شکوفا شود و چون در تربیت اسلامی، مقصد و مقصود «کمال مطلق» است، می توان تربیت را چنین تعریف کرد: «رفع موانع موجود و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ۲۲). به عبارت دیگر، تربیت «فراهم ساختن زمینه ها و عوامل برای شکوفایی استعداد های بالقوه انسان در جهت الهی شدن است» (فایضی و آشتیانی، ۱۳۷۷، ۳۲).

## ۱-۲. معانی لغوی و اصطلاحی اصل

### ۱-۲-۱. معنای لغوی اصل

واژه های «اصل» و «اصول» تقریباً در همه شاخه های دانش بشری به کار می روند، اصل در فارسی و عربی به معانی مختلفی، از جمله: مبدأ اولی، اساس، رکن، قاعده و... به کار رفته (فقیهی، ۱۳۷۵، ۴۷، ۲۲).

در فلسفه، اصل به دو اصطلاح مصدر و منشأ پدیده ها (مواد اولیه اشیا) و منشأ معرفت حصولی (حواس و عقل) به کار گرفته شده است (فقیهی، ۱۳۸۹، ۴۶).

در منابع اسلامی، به ویژه در کتاب های حدیثی، فقهی و اخلاقی نیز اصل در معانی مختلف استفاده شده است، از جمله:

الف) پایه و اساس (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۵، ۴۱۹)؛

ب) منشأ تکوینی و علت مادی افعال ارادی انسان نظیر گفتن و نوشتن (مفضل، بی تا، ۸۰)؛

پ) امر واقعی و حقیقی: چه علم حقیقی در برابر جهل مرکب (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۴، ۲۶۵) و چه امور دیگر (مجلسی،

۱۴۰۳ ق، ۵۳، ۲۸۶)؛

ت) ولایت حق (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۸، ۱۴۶) منشأ خصال و فعالیت‌های خوب یا بد (همان، ۲۴۲) حکم و قانون الهی (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۷، ۱۵۸)؛

ث) چیزی که باید به آن توجه شود و دانستن آن ضروری است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ۴۶۰).

## ۱-۲-۲. معانی اصطلاحی اصل

علامه مصباح یزدی در مورد اصول تربیت، چنین می‌نویسند: «مجموعه قواعد کلی تربیتی که از مبانی انتزاع و انشا می‌شوند و راهنمای روش‌ها و فعالیت‌ها در تعلیم و تربیت هستند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۲۹۱). در مجموع، می‌توان گفت: اصول تربیت دستور العمل‌های کلی برگرفته شده از مبانی هستند که پذیرفتن و به کار بستن آنها، افراد را بر می‌انگیزاند تا در راستای اهداف عالی‌تر تربیتی، گام بردارند و به فعالیت‌های تربیتی بپردازند. (تقی پورظهیر، ۱۳۸۶، ۱۱۳).

## ۱-۲-۳. مفهوم «اصل» در قلمرو تربیت

در لغت، به بیخ، بن و ریشه هر چیز «اصل» می‌گویند؛ متناظر با مفهوم لغوی «اصل»، اصول تربیتی به دستورها و قواعد کلی‌ای اطلاق می‌شود که حکم ریشه و بنیان تدابیر، تصمیمات و فعالیت‌های تربیتی دارند و با هدایتگری‌های خود، درستی فرایند تربیت را از ابتدا تا انتها تضمین می‌کنند. ارائه‌ی تعریفی نسبتاً جامع از اصل، مبتنی بر شناخت روابط موجود میان عناصر تشکیل دهنده‌ی نظام تربیتی است. شاید نفی ویژگی عناصر دیگر تشکیل دهنده‌ی نظام از اصل، زمینه‌ی مناسب تری را برای شناخت آن فراهم آورد. اصل دارای ماهیتی هنجاری، و ناظر به «باید» هاست. از این جهت با «مبنا» که خود منشأ اشتقاق اصل است و ماهیتی کاملاً توصیفی دارد و ناظر به «هست» هاست، متفاوت است. بر اساس این رهیافت، تعریف اصل چنین است: سلسله قواعد و معیارهای کلی (بایدها) که متناسب با ظرفیت‌های انسان انتخاب و به منظور تعیین روش‌های تربیتی برای دستیابی به اهداف، مورد توجه قرار می‌گیرند. (هوشیار، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۶؛ باقری، ۱۳۶۸ ش، ص ۶۸؛ شریعتمداری، ۱۳۶۷ ش، ص ۱۱).

## ۱-۲-۴. فواید مترتب بر اصل تربیتی

الف) تأثیر در نیل به هدف تربیتی (هوشیار، ۱۳۷۲ ش، ص ۸-۱۴؛ زاهدی، ۱۳۷۵ ش، ص ۸۱؛ کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ص ۵۰ و راسخی، ص ۲۴)؛

ب) انعطاف در روش‌ها (شکوهی، ۱۳۶۸ ش، ص ۱۳۳)؛

ج) محوریت اصول در ایجاد ارتباط منطقی بین عناصر نظام تربیتی. (همان، ص ۱۳۴).

## ۲. ویژگی‌های حاکم بر اصول تربیتی

ویژگی‌های حاکم بر اصول تربیتی را می‌توان به شرح زیر برشمرد.



در دو بعد جهان بینی و انسان شناختی خلاصه کرد. بر اساس جهان بینی توحیدی، جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی بر اساس خیر بودن وجود و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته ی آنها استوار است. (مطهری، ۱۳۷۱ش، ص ۸۳).

شاید مهم ترین نقطه ی افتراق مکتب تربیتی دینی با دیگر مکاتب تربیتی، در نگاه به جهان و انسان باشد. برخی از مکاتب تربیتی با ارائه ی تفسیری متفاوت از انسان و جهان، تربیت را بر محوری غیر از خدا، از قبیل پرورش عقل و خرد، نیل به رفاه و آسایش، دست یابی به فضیلت، اخلاق و غیره قرار داده اند؛ حتی دیدگاه حکمای بزرگی چون افلاطون و ارسطو نیز انسان را در سطحی کاملاً متفاوت از سطح خدامحوری قرار می دهد. آنها بیش تر مسائل تربیتی جامعه را از دیدگاهی خردگرایانه نگریسته اند (مدلین، ۱۳۵۳ش، ص ۴۵).

کنفوسیوس صریحاً اعلام نمود که «انجام خدمت همه جانبه به خاطر رفاه افراد بشر باید به عنوان نشانه ی یک فضیلت فوق العاده یا کامل یا احتمالاً یک فضیلت الهی قلمداد گردد» (هیوم، ۱۳۶۹ش، ص ۱۶۸). هر چند دامنه ی تفکر الهی متضمن رفاه اجتماعی، تکامل و تعالی خرد و اندیشه و حتی آسایش فردی است، اما زاویه نگاه انسان به خودش و جهان ناشی از دیدگاه الهی است.

## ۲-۳. اصل تبعدمداری

مفهوم واژه ی تبعد حاکی از نوعی ارتباط انسان با خدا که مستلزم تواضع، خشوع و فروتنی در برابر او و پرهیز از طغیان، تکبر و گردن کشی از دستورها و احکام وی است (ابن فارس، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۶).

اصل تبعدمداری در دامنه ی تربیت از دو زاویه ی عمل تربیتی مری نسبت به متربی و برنامه های تربیتی، مدنظر قرار می گیرد. تبعد در عمل تربیتی عبارت است از: «به کارگیری دستورهای الهی (امر و نهی) در تربیت متربی، اعم از این که دستورهای مزبور در گستره اهداف تربیت باشد یا در روش ها و یا هر بخش دیگر».

از نظر قرآن فرد مؤمن تنها دلیل انجام عمل را اطمینان به سرچشمه گرفتن آن از جانب خداوند می داند و به صرف آگاهی از این نکته که عمل مزبور از دید الهی مطلوب یا غیرمطلوب است اقدام به انجام آن یا اجتناب از آن می کند. در قرآن آیاتی یافت می شود که گردن نهادن به عمل را صرفاً منوط به امر الهی کرده است. از آن جمله است: (انعام، آیات ۴، ۷۴ و ۱۶۳)، (توبه، آیه ی ۱۳۱)، (بینه، آیه ی ۵) و آیاتی مانند:

«وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ؛

کسانی که ایمان آوردند از همان حق - که از جانب پروردگارشان است، پیروی کردند» (محمد ص، آیه ی ۳).

«إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ؛

و جز از آنچه بر من وحی می شود پیروی نمی کنم» (انعام، آیه ی ۵۰).

منظور از این اصل در برنامه ی تربیتی، ایجاد و پرورش روحیه ی تعبد در مرتبه ی است، به نحوی که در او حالتی حاکی از اطاعت متواضعانه در برابر اوامر الهی ایجاد کند. ثبات در اهداف کلی و پیروی از قوانین ماندگار الهی، انگیزش درونی ناشی از حضور خداوند نزد فرد و کسب عزت نفس از طریق اتکا به خداوند و استغناء درونی از دیگران، رهایی از احساس تنهایی و غیره بعضی از دستاوردهای تربیتی خدامحوری و تعبد مداری اند.

### ۳-۳. اخلاق مداری

یکی از ارکان و اهداف مهم دین، اخلاق است. مقصود از تمام معارف دینی و انجام مناسک و شعایر، ایجاد تحول اخلاقی در انسان است، به نحوی که اگر عناصر معرفتی و عبادی در دین نتوانند در حوزه ی اخلاقی تأثیر بگذارند به کمال خود دست نیافته اند. هنگامی که به اسلام نظر می افکنیم درمی یابیم که پافشاری و تأکید بر غایت ها و فرجام های اخلاقی و عملی در قالب تقوا، عبرت آموزی، شکرگزاری، ایمان و یقین، دریافت هدایت، عبادت الهی، نیل به رشد و رستگاری و غیره بیانگر ارزش بی همتای عنصر اخلاق در میان دیگر عناصر است.

بنابراین می توان متعلق تربیت دینی را همان تربیت اخلاقی دانست. پیامبر(ص) فرمود:

«إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛

همانا من برای کامل کردن کرامت های اخلاقی مبعوث شده ام» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۱۰).

مفاهیمی از قبیل برّ و نیکی، خیر، معروف، احسان، عدل، اجتناب از فحشاء، منکر و ظلم و غیره حاکی از رویکرد اخلاق به تربیت دینی است.

(برخی از آیات در این باره عبارت اند از: اعراف، ۳۳ و ۱۹۹؛ بقره، ۷۸ و ۱۹۵ و ۲۶۳؛ آل عمران، ۱۰۴ و ۱۹۳ و ۱۹۸؛ قصص، ۷۷؛ هود، ۷۱؛ مؤمنون، ۹۶؛ اسراء، ۵۳؛ بقره، ۱۶۹ و ۲۶۸؛ عنکبوت، ۴۵ و انعام، ۱۵۱).

قرآن کسب معرفت را صرفاً ابزاری برای نیل به تحول اخلاق می داند؛ چه معرفت در سطح جهان شناسی باشد و چه آگاهی از امور غیب و چه معرفت از وقایع تاریخی (هود، آیه ی ۱۲۰؛ قمر، آیه ی ۴؛ یوسف، آیه ی ۳ و نازعات، آیه ی ۴۳).

از طرف دیگر نگاه قرآن به احکام و شریعت، نیز نگاهی حاکی از اخلاق مداری است:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛

و نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند بازمی دارد (عنکبوت، آیه ی ۴۵).

آیات زیر نیز بر این مطلب دلالت دارند: بقره، آیات ۱۷۷ و ۱۸۳ و توبه، آیات ۱ و ۳).

#### ۳-۳-۱. محبت محوری

اساس تربیت دینی بر محور برانگیختن حبّ و علاقه ی انسان و ایجاد وابستگی و تعلّق خاطر در او شکل می گیرد. ایجاد و پرورش حس تعلّق، اشتیاق و عشق به خدا و در نتیجه به خلق او و نفرت و انزجار از شیطان و مظاهر او وظیفه ی اصلی تربیت دینی محسوب می شود. آنچه در اصل محبت محوری مطرح می شود، میدان داری گرایش های قلبی و اولویت عشق ورزی و راز و رمزهای آن بر استدلال های بی طراوت عقلانی و افراط های بی روح عملی است. (گیسلر، ص ۲۵ و ۳۰؛ جیمز، ۱۳۶۷ش، ص ۲۴-۲۵).

در بسیاری از آیات قرآن تبیین ارتباط انسان با خداوند یا بالعکس بر اساس دوستی و محبت، شکلی کاملاً متفاوت از روابط حاکم در دیگر گستره های ارتباطی به خود گرفته است. مفهومی که حکایت از عشق متقابل خلق و خدا می کند، همان مفهوم محبت و عشق ورزی است که بیانگر کیفیت ارتباط دوجانبه انسان و خداست:

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»

بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد». (آل عمران، آیه ی ۳۰).

خداوند هنگام خطاب به رستگاران از واژه ی محبت و دوست داشتن استفاده می کند و از طرف دیگر نسبت به کسانی که در وادی سرکشی و عصیان گام نهاده اند از واژه ی برائت یا عدم محبت استفاده می کند. اخلاق پیامبر(ص)، فاطمه زهرا(س) و ائمه اطهار(ع)، اخلاق قرآنی و مظهر ملایمت، رحمت و الگوی شفقت و مهرورزی بود و دامنه محبت ای شان، بزرگ و کوچک را فرا می گرفت. کودکان در نزد ای شان جایگاه خاصی داشتند و آن در موقعیت های مختلف از جمله در خلنه، کوچه، مسجد، بازار، میدان جنگ و... با کودکان مهربانی می کردند و اطرافیان را نیز به این امر تشویق می فرمودند.

از پیامبر اکرم (ص) روایتی در بیان اهمیت محبت به فرزندان با این عبارت نقل شده است: از ما نیست کسی که بزرگ ما را احترام نکند و به کوچک ما رحم نرزد (داودی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۷).

همچنین امام صادق (ع) به فرزند خویش بسیار محبت می کرد. از امام (ع) سؤال شد که چقدر او را دوست می دارید؟ فرمودند: به اندازه ای که دوست ندارم فرزند دیگری داشته باشم تا محبتم بین آنها تقسیم کنم (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ص ۸۵). امام کاظم (ع) نیز به فرزندان خود محبت شدید داشت. مفضل می گوید: وارد شدم در حالی که فرزندش علی را بر دامان خود نهاده بود، او را می بوسید و او را بر شانه خویش می گذاشت و در بغل می فشرد و می فرمود: پدرت به فدایت! چه بوی خوشی و طبع پاکي داری و فضائل برجسته است (همان، ۹۸).

از مجموعه سیره های تربیتی یاد شده به وضوح، اصل محبت و مهر ورزیدن به فرزندان استنباط می شود. یکی از مصادیق دیگر توجهو محبت به فرزندان در سیره عملی معصومان (ع)، بازی و شوخی با کودکان است. از دیرباز روان شناسان کودک، به اهمیت بازی و پیامدهای مثبت آن توجه کرده و بدان پرداخته اند. روایتی از پیامبر اکرم (ص) در تأیید بازی و تأثیر آن بر دوران بزرگسالی چنین نقل شده است:

تندی و میل بسیار به بازی در کودکی نشانه متانت و پختگی و زیادی عقل کودک در بزرگی است (دلشاد، ۱۳۷۵، ص ۹۶).



شاید بتوان این سخن ر سول خدا (ص) را از دیدگاه روان شنا سی، به گونه ای با این نظریه منطبق دان ست که بازی و شیطنت در دوران کودکی موجب تخلیه انرژی های زائد جسمی و روحی می شود و در رسیدن کودک به آرامش و حلم در بزرگ سالی تأثیرگذار است. (حسینی زاده، ۱۳۸۲، ۵۴).

### ۲-۳-۳. تکریم

اکرام به معنای آن است که کسی را بزرگ و شریف شماری و گرمی اش بداری و به او نفعی خالص برسانی. در باره تکریم فرزند نیز توصیه هایی در روایات به چشم می خورد. اکرام آدمی از نگاه پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) از دوران کودکی آغاز می شود و شعاع آن از بزرگ ترین و گسترده ترین مصادیق تا کوچک ترین موارد را شامل می شود. دستورات و تعالیم رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) مبنی بر نام نیک نهادن بر نوزاد، عقیقه و دیگر آداب تولد، سلام کردن به کودک و غیره، از جمله موارد تکریم کودکان است. یکی از راه های رسیدن به کرامت آن است که انسان، کرامت را در اطرافیان خود ببیند و لمس کند. برای اینکه انسان کریم شود و شریف النفس بار آید، باید کرامت ببیند و مورد تکریم و احترام قرار گیرد. و این امر از دوران کودکی اهمیت دارد (سیف، ۱۳۸۲، ۹۸).

پیامبر خدا (ص) در سخنانی فرموده است:

«همان گونه که فرزند نباید نسبت به والدین خود بی احترامی کند، والدین نیز نباید نسبت به او بی احترامی کنند».

همچنین امام صادق (ص) می فرماید: «فرزندان خود را تکریم کنید و گرمی دارید و آنان را نیکو تربیت کنید تا اینکه خداوند شما را ببخشد».

بی شک، گرمی داشتن و اکرام کودک در ایجاد دل بستگی بین او و اطرافیان تأثیرگذار است و زمینه پذیرش آموزه های اخلاقی و تربیت دینی را فراهم می سازد. با توجه به دیدگاه های روان شناسی درباره اهمیت محبت و تکریم کودکان، روشن می شود که پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در مقام مربی برتر انسان ها که در سایه اتصال با منبع وحی، از فطرت و سرشت انسان ها آگاه است، چرا تا این حد بر محبت و توجه به کودک تأکید ورزیده است. پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به تمام کودکان به عام و فرزندانشان خود به طور خاص محبت و توجه می کردند و به تکریم و احترام آنان می پرداخت تا به رشد روانی و عاطفی کامل برسند و زمینه تعلیم و تربیت دینی آنان نیز فراهم آید. اگر تربیت دینی کودکان همراه با محبت و ایجاد دل بستگی با کودک باشد او را نسبت به توصیه های دینی والدین تسلیم پذیرتر می کند و الگوپذیری از آنان را نیز بیشتر می نماید؛ علاوه بر آن کودکی که از نظر روانی و عاطفی سالم و رشد یافته باشد، نسبت به دستورات دینی که مطابق با فطرت آدمی است، انعطاف پذیرتر می شود. (طبرسی، ۱۳۹۲، ۷۸).

### ۴-۳. آخرت اندیشی

جهت گیری زندگی بر مبنای آخرت گرایی تحولی اساسی در رفتار و سلوک انسان ایجاد می کند. تربیت دینی مسئولیت ویژه ای در باروری عقل دینی از رهگذر القای ذهنیت آخرت اندیش دارد، از این رو مفاهیم دینی مشحون از یادآوری سرای جاوید و ایجاد تنبه در انسان نسبت به آن است.

«وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ؛

و بترسید از روزی که هیچ کس عذاب خدا را از کسی دفع نمی کند، و نه از او شفاعتی پذیرفته، و نه به جای وی بدلی گرفته می شود، و نه یاری خواهد شد (بقره، آیه ۴).

در اسلام، روحیه آرزوگرایی های بی حد و حصر و دست نیافتنی و محصور شدن در چارچوب طرح ها و نقشه های بی پایان و فراموشی خود در این میان سرچشمه ی بسیاری از خطاها و گناه های انسان است. پیامبر (ص) فرمود:

«حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛

علاقه به دنیا منشأ هر اشتباه و خطایی است» (بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۳۹).

هشدارها و تأکيدات فراوان اسلام بر فناپذیری انسان در دنیا و پایان یافتن دوران زندگی، و انتقال از موقعیتی به موقعیت دیگر جزء مهمی از مجموعه ی پند و اندرزهای دینی است. این امر، در تفکر مربوط به تربیت اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است به نحوی که بر تعیین نوع حرکت تربیتی و جهت دهی به آن تأثیر انکارناپذیری دارد. (شعراء، آیه ی ۱۲۹؛ جمعه، آیه ی ۸؛ غررالحکم، ج ۳، ص ۱۱۲ و ج ۵، ص ۲۹۵ و ج ۶، ص ۱۶۰ و نهج البلاغه، خطبه ی ۱۸۸).

#### ۱-۴-۳. خوف و رجا

هرگز نمی توان حرکت های تربیتی را که منجر به اصلاح و تغییر رفتار در انسان می شوند، بدون وجود انگیزه ای آشکار ترسیم کرد. تشویق و تنبیه، پاداش و جزا و بالاخره بهشت و جهنم در تعبیر دینی نمادی روشن و عاملی اساسی برای ایجاد انگیزش در انسان از رهگذر نوعی بیم و امید و ترس و عشق است. انسان با ترکیبی متعادل از بیم و امید حرکتی را آغاز می کند یا از آن دست می کشد. هیچ گامی در جهت اصلاح و تغییر وضعیت موجود، بدون گذر از میان این دو مقوله، در سطوح مختلف امکان پذیر نیست (قطب، ۱۳۶۲ش، ص ۱۸۲).

خوف و رجا در تربیت دینی مکمل یکدیگرند و انسان را از یأس و غرور پیراسته و به تواضع و امید آراسته می سازند. روش ترغیب و ترهیب (سوق دادن و ترساندن) بر اساس همین نگرش به انسان است:

«وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ؛

و به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، مژده ده که ایشان را باغ هایی خواهد بود که از زیر درختان آن جویبار روان است (بقره، آیه ی ۲۵).

«إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا؛

ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم: روزی که آدمی آنچه را که با دست خویش پیش فرستاده است بنگرد؛ و کافر می گوید، کاش من خاک بودم» (نبا، آیه ۴۰).

### ۳-۵. اعتدال گرایی

انگیزه و گرایش درونی انسان در تربیت دینی از اهمیت فراوانی برخوردار است. مطالعه احادیث و سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و دیگر پیشوایان دینی نشان می دهد که تمام تلاش این بزرگواران در درونی کردن ارزش ها و مفاهیم دینی بوده است. باید با کودکان به گونه ای رفتار شود که با افزایش خودآگاهی، از درون گرایش به ارزش های دینی پیدا کنند و با جان و دل آموزه های دینی و اخلاقی را بپذیرند؛ از این رو، تربیت دینی امری پیوسته امری پیوسته و مداوم است که باید بدون هرگونه اکراه و اجبار و یا زیاده روی و سخت گیری بی مورد انجام پذیرد تا همیشگی و پایدار باشد. اصل اعتدال گرایی بیانگر رعایت اعتدال و توازن در تربیت انسان و پرهیز از هر گونه افراط و تفریط است.

این اصل متضمن دو امر است:

۱- مفهوم اعتدال به نوعی دربرگیرنده ی جامعیت است. به این معنا که آنچه در تربیت اسلامی مدنظر قرار می گیرد شامل تمام نیازها و خواسته های وجودی انسان است و این جامعیت مستلزم رعایت اعتدال در میان نیازهای مزبور و پرهیز از افراط و تفریط در مواجهه با آنهاست؛

۲- رعایت اعتدال در نوع سرمایه گذاری و صرف انرژی برای پاسخ گویی به یک نیاز، ما را از افراط و زیاده روی در پرداختن به آن بازمی دارد. در دیدگاه دینی، تداوم هر امری به اعتدال در انجام آن بستگی دارد. امام باقر(ع) در این خصوص می فرماید:

«أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَإِنْ قَلَّ؛

بهترین و محبوب ترین اعمال در نزد خداوند - عزوجل - عملی است که از سوی بنده تداوم یابد هر چند قلیل و اندک باشد».

از موارد مهمی که در محبت به کودک، حتی در پایین ترین مظاهر آن، باید مورد توجه قرار گیرد، رعایت برابری و تساوی در برخورد با کودکان هم جنس و غیرهم جنس است. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: خداوند متعال دوست دارد که میان فرزندان خود، حتی در بوسیدن آنان یکسان عمل کنید.

نیز در مقامی دیگر، آن حضرت فرمود:

«از خدای بترسید و میان فرزندانان به عدالت رفتار کنید، همچنان که شما نیز دوست دارید آنان به شما نیکی و احسان کنند (متقی، ۱۴۰۹، ۱۲۳).

امر به تقوای الهی در آغاز سخن، در کنار فرمان به عدالت، نشان از اهمیت فراوان رفتار به کودکان دارد. در این روایت یک اصل مهم اخلاقی و تربیتی معرفی شده است که تنها افراد متقی و خداترس آن را اجرا می‌کنند؛ علاوه بر آن، در جمله پایانی روایت به روابط عاطفی متقابل پدر و مادر و فرزندان اشاره شده است و از آن چنین برداشت می‌شود که رفتار والدین با کودک، در برخوردهای بعدی او با والدین تأثیرگذار است؛ یعنی رعایت عدالت بین کودکان، موجب رضایت قلبی کودکان و مهرورزی و احسان آنان به پدر و مادر می‌شود.

### ۳-۶. آرمان گرایی

«جهان ماهیت از اوایی و به سوی اوایی دارد. بر جهان یک نظام عالی هدایت، حاکمیت دارد» (مطهری، ۱۳۷۱ش، ص ۲۳۳). تربیت دینی بر اساس آرمانی مشخص و هدف غایی مذکور انجام می‌پذیرد و در چارچوب آن اقدامات مربوط به انتخاب هدفها و اتخاذ رویه‌های تربیتی صورت می‌پذیرد. بدین ترتیب، فردی که خود را در چنین محدوده‌ای قرار می‌دهد کاملاً متفاوت از فردی است که نسبت به چارچوب فوق التزامی ندارد. شاید بتوان مهم‌ترین دستاورد تربیتی این اصل، یعنی اندیشه‌ی جهان با هدف را، القای روح معناداری به انسان و ایجاد اعتماد و امید در او دانست (استیس، ص ۱۶۸).

یکی از شاخصه‌های مهم در سنجش کارایی هر نظام تربیتی میزان واقع‌نگری و تأکید آن بر متربی است. تربیت در صورتی که بر مدار نیازها و ویژگیهای انسان باشد، مستلزم هیچ‌گونه فشار و نادیده گرفتن واقعیت‌های موجود در او نیست. تربیتی که از او آغاز می‌گردد و در او سیر می‌کند و به او ختم می‌شود. تربیت دینی در عین حال که انسان را به سوی خدا سوق می‌دهد، تأمین‌کننده‌ی نیازهای اوست؛ شایان ذکر است که دیدگاه تربیتی دین درباره‌ی تعالی جویی انسان به سوی خدا، با توجه به توانایی‌ها و محدودیت‌های حاکم بر وی تبیین می‌شود و هرگز خارج از استعداد و آمادگی او تکلیفی بر او تحمیل نمی‌شود. با پذیرش اصل متربی محوری در تعلیم و تربیت، باید مواردی از قبیل رفق و مدارا، توجه به تفاوت‌های فردی، اعمال رویه‌های عقلانی، آزادی انسان و تدریجی بودن تربیت، مورد توجه قرار گیرد. (مطهری، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۲۴۰).

از آن جایی که دین ناظر بر کلیه‌ی جوانب زندگی انسان است و با نگرشی فراتر از رفع نیازهای موضعی و مادی، جهت‌دهنده‌ی بسیاری از درخواست‌های انسان در روند زندگی فردی و اجتماعی از حیث‌گزینش و نحوه‌ی عمل و مسیر آن است، تربیت بر محور چنین نگرشی مستلزم عدم انفکاک از متن زندگی است. در چارچوب تربیت دینی، ترغیب به کناره‌گیری از اجتماع و تقویت روحیه‌ی مرتاضانه در فرد، امری کاملاً غیرمعارف است (همان، ص ۲۴۱).

بدین لحاظ جایگاه اجرای تربیت دینی و به عبارتی آزمایشگاه آن، متن زندگی و روند متداول آن است. قالب های تربیتی، مانند صداقت، ایثار، امانت داری، عدالت ورزی، قناعت، انفاق و... از مواردی انتخاب می شود که در مناسبات عادی زندگی جمعی مطرح و مورد توجه است؛ بدین معنا که از رهگذر نیازهای غریزی، مناسبات اجتماعی، تمایلات و گرایش های طبیعی و خلاصه هر آنچه در میدان جذب و دفع رفتارهای عادی زندگی اجتماعی قرار می گیرد، اقدام به دین ورزی و تربیت دینی می شود. آیاتی از قبیل: اعراف، ۶۸؛ محمد، ۳۱؛ انبیاء، ۳۵؛ کهف، ۷؛ آل عمران، ۱۶۸ بر این مطلب دلالت دارند.

تأکید بر رشد اجتماعی یکی از مهم ترین دستاوردهای این اصل است.

### ۱-۶-۳. فردمحوری

در اندیشه ی اسلامی همواره انسان به عنوان فرد و نه گروه در مدار تربیت و اصلاح قرار می گیرد. مفاهیم و اصطلاحاتی از قبیل تهذیب، تزکیه، تذکر، تأدیب و غیره. در فرهنگ اسلامی، از نوعی رویکرد اصلاحی و تربیتی به فرد انسانی حکایت می کند؛ بنابراین، پدیده ی تربیت در اندیشه ی اسلامی راه ورود خود را به جامعه از طریق مواجهه ی تربیتی با تک تک افراد آن هموار می سازد. اصل فردمحوری بدین معناست که:

۱- انسان مسئول اعمال خویش است. قرآن در این خصوص می فرماید:

«كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ؛

هر کسی در گرو دستاورد خویش است» (مدثر، آیه ی ۳۸).

۲- هر فرد باید در مدار کنترل و نظارت خداوند و نه دیگر عوامل (جامعه و غیره) باشد. به تعبیر قرآن:

«وَمَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ؛

و هیچ سخنی را نمی گوید مگر این که مراقبی آماده نزد او آن را ضبط می کند» (سوره ق، آیه ی ۱۸).

۳- انسان به تنهایی مورد ارزیابی قرار می گیرد. قرآن در این خصوص می فرماید:

«وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ؛

و همان گونه که شما را نخستین بار آفریدیم، اکنون نیز تنها به سوی ما آمده اید» (مریم، آیه ی ۹۴).

فردیت رابطه ای ناگسستنی با مسئولیت دارد و مسئولیت صرفاً در بستر فردیت معنا و مفهوم می یابد. در اندیشه ی اسلامی، انسان به عنوان فرد، مسئول تمام اعمال خویش است:

«كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ؛

هر کسی در گرو دستاورد خویش است (طور، آیه ی ۲۱).

یا در تعبیری دیگر بیان شده است که هر انسانی برآیند سعی و کوشش خویش است:

«أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛

و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست (نجم، آیه ی ۳۹).

و خود او نیز اولین کسی است که از سود و زیان اعمال خود، برخوردار می شود:

«فَمَنْ أَهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّٰ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا؛

پس هرکس هدایت شود، به سود خود اوست، و هرکس بیراهه رود، تنها به زیان خودش گمراه می شود» (زمر، آیه ی ۴۱).

### ۳-۷. عمل گرایی

بر هیچ کسی پوشیده نیست که دین همواره بیش از آن که وابسته به حوزه ی آگاهی های انسان باشد ناظر بر موضع عملی وی است. اگر بر آگاهی نیز تأکید می شود، صرفاً به منظور انعکاس آن در حیطه ی اعمال و رفتار انسان است؛ بنابراین آگاهی و معرفت دینی در صورتی با شخصیت فرد عجین می شود و در او تأثیر می گذارد که با عمل وی مقرون گردد؛ از این رو، یک مربی موفق کسی است که همواره با توجه به ظرفیت و استعداد متربی او را وادار به عمل کند. پرهیز از ذهن گرایی یکی از دستاوردهای تربیتی اصل عمل گرایی است.

به منظور روشن شدن کیفیت تأثیرگذاری عمل بر روند تربیت دینی وجوانب آن، می توان بحث را در قالب های ذیل پی گیری کرد:

### ۳-۷-۱. عمل و معرفت

به طور کلی آگاهی های انسان تنها از طریق تجارب شناختی و انکشاف مقولات خارجی حاصل نمی شود، بلکه از رهگذر آگاهی و عمل است که تغییرات واقعی در رفتار آدمی پدید می آید. ضمن آنکه تأثیر عمل بر فرد از دو جهت مثبت و منفی قابل ارزیابی است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا؛

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما وسیله ای جهت تمایز و تشخیص و جدا کردن حق از باطل قرار می دهد» (انفال / ۲۹).

علاوه بر این آیه ۶۹ عنکبوت و ۹۹ حج نیز بر این مطلب دلالت دارند.

از طرف دیگر هر نوع عمل منافعی با دین می تواند موجب کاستی در جانب فهم حقایق و کاهش باور و تعهد برای عمل به آن باشد. حضرت علی(ع) در این خصوص می فرماید:

«أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ، (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱)؛

بیش ترین جایگاهی که خرد و عقل انسان در آن قربانی می شود، هنگامی است که برق طمع می درخشد».

### ۲-۷-۳. عمل و نیت

نقش تربیتی عمل دینی از طریق نیت و انگیزه قابل ارزیابی است؛ بنابراین با توجه به این که تأثیر عمل در تربیت منوط به کیفیت آن است و عمل آخرین حلقه ی تحقق انگیزه و نیت است، نمی توان بین آن دو انفکاک قائل شد. نه نیت بدون عمل نیت واقعی است و نه عمل بدون نیت قادر به تغییر انسان است.

### ۳-۷-۳. عمل و آزمایش

عمل ابزاری برای امتحان و آزمایش خود و دیگران است. هر چند نیت همواره حاکم بر عمل است، اما آنچه در خارج ظهور می کند همان عمل است؛ از این رو، می توان از طریق عمل و تداوم آن به وضعیت انگیزشی فرد نیز پی برد؛ لذا عمل میزانی برای آزمایش در روند تربیت، و معیار سنجش پایداری فرد می باشد.

«وَلْتَبْلُوْا نَفْسَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛

و قطعاً شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان ها و محصولات می آزمایشیم و مژده ده شکیبایان را (بقره، آیه ی ۱۵۵).

همچنین آیاتی از قبیل: مائده، آیه ی ۱۶۵؛ آل عمران، آیات ۱۸۶ و ۱۵۴؛ محمد، آیه ی ۳۱؛ عنکبوت، آیه ی ۲؛ انبیاء، آیه ی ۳۵؛ تغابن، آیه ی ۱۵ و انفال، آیه ی ۲۸ نیز بر این مطلب دلالت دارند.

### ۴-۷-۳. سعی محوری

سعی و کوشش از دو جهت در امر تربیت مورد توجه است: ۱. تقویت اراده به نحو مطلق؛ ۲. تقویت اراده به نحو خاص و انجام عملی مشخص؛ اهمیت تأثیر سعی و تلاش بر انسان در این است که وی مرهون میزان تلاش و کوششی است که به کار می گیرد؛ آنچه در تربیت دینی اهمیت دارد میزان سعی و کوششی است که فرد در حیطه قدرت خود برای رسیدن به هدف انجام می دهد. همچنین تربیت دینی افراد با توجه به شرایط و امکاناتی که شخص در اختیار دارد، طرح ریزی می شود.

«وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَ أَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى؛

و اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش نیست و تلاش او به زودی دیده می شود» (نجم، ۳۹ و ۴۰).

سایر آیات در این زمینه عبارتند از: نازعات، آیه ی ۳۵ و انسان، آیه ی ۲۲.

### الف. جهد و کوشش

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ؛

آیا چنین پنداشتید که تنها با ادعای ایمان وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است» (آل عمران، ۱۴۲).

#### ب. صبر و استقامت

«وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛

و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است (انفال، ۴۶).

و آیات ۲۴ سوره رعد و ۳۰ سوره فصلت نیز بر این مطلب دلالت دارند.

#### ج. کسب و اکتساب

«كُلُّ أَمْرٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ؛

هر کس در گرو اعمال خویش است (طور، آیه ی ۲۱ و بقره، آیه ی ۲۲۵).

دستاوردهای تربیتی این اصل مواردی چون: تأثیر تلاش در تغییر سرنوشت و نقش سعی و عادت در تربیت است.

#### ۵-۷-۳. قاطعیّت و جدیّت

تأکید و توصیه پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) مبنی بر محبت به کودکان هرگز مانعی در راه تربیت صحیح آنان به شمار نمی‌رفت، بلکه آنان همان قدر که به فرزندان خود عشق می‌ورزیدند و به تکریم می‌پرداختند، به تربیت و پرورش آنان نیز اهمیت می‌دادند و در این راه قاطعیّت و جدیّت داشتند. مواردی همچون جدیّت در آموزش نماز، دعا، خواندن ذکر و قرآن به فرزندان خود، حتی به کودکان زیر هفت سال و توجه به پرورش و تعلیم آنان، نمونه‌هایی از این مدعاست. و در ماجرای، حساسیت پیامبر اکرم (ص) نسبت به تربیت دینی خانواده زهرا(س) و فرزندان او به چشم می‌خورد. نقل شده است: رسول خدا(ص) روزی پس از بازگشت از سفر، به منزل زهرا(س) رفت و دید حسنین (ع) جلوی خانه ایستاده‌اند و دو دستبند نقره بر دست دارند.

پیامبر علی‌رغم عشق و علاقه و دلبستگی زیاد به آن دو کودک و مادرشان زهرا (س) به درون خانه نرفت و از همان جا بازگشت. فاطمه زهرا(س) که ویژگی‌های شخصیتی پدر را بیش از همه می‌شناخت، چون این حالت را مشاهده کرد، دریافت که پدر به دلیل آن دو دستبند نقره ناراحت شده و به خانه نیامده است؛ از این رو آن دو دستبند را از حسنین (ع) گرفت و شکست، کودکان، گریه‌کنان نزد رسول خدا شتافتند و از رفتار مادر شکوه کردند، پیامبر(ص) دستبند نقره را از آنان گرفت



و به ثوبان فرمود: برو و این را به بنی فلان بده، من دوست ندارم اهل بیت من در طول زندگی خود، از این گونه زیورهای اهل دنیا داشته باشند (ری شهری، ۱۳۶۳، ۱۴۵).

### نتیجه

با توجه به حاکمیت روح کلی دین بر ابعاد مختلف و عناصر گوناگون نظام تربیت دینی، هر یک از عوامل مزبور نیز باید به نحوی رنگ دینی داشته باشد. اصل نیز که قانون حرکت و اعمال روشهای تربیت دینی است از این قاعده مستثنا نیست. بنابر این برای اکتشاف اصول تربیت دینی باید به چگونگی ارتباط آنها با خاستگاه شان یعنی دین توجه لازم نمود. مقایسه ای اجمالی بین نحوه ی اکتشاف و مبانی دریافت اصول در تربیت - که ریشه در مناسبات عرفی انسان ها با یکدیگر در رفتارهای اجتماعی دارد - ما را به این امر رهنمون می سازد که هر گونه انتساب مستقیم یا غیرمستقیم در حوزه ی تربیت دینی، باید همراه با پشتوانه ی کافی از تصریحات موجود در متن دین و یا ملاک های واضح برای درک از آن تصریحات و ظواهر باشد. در نظام تربیت دینی، همان طور که از تصریحات و ظواهر موجود در متون اصیل دینی (مانند آیات و روایات در اسلام) اقدام به اخذ اهداف و آگاهی از رویکرد دین به انسان و دریافت روش های گوناگون می کنیم، منبع کشف و اخذ اصول نیز باید همان تصریحات موجود در متون دینی باشد. انسان برای رسیدن به موفقیت به دو مقوله آگاهی و الگو نیازمند است، در نتیجه باید برای کسب هر یک از این دو تلاش نماید. دین مقدس اسلام برترین الگوهای زندگی موفق فردی و اجتماعی را به ما می شناساند. تربیت مناسب نسل آینده و آموختن مهارت های لازم تربیت فرزند، از جمله مسائلی است که دین مبین اسلام و ائمه معصومین (علیهم السلام) به آن توجهی ویژه دارند. مقید شدن تربیت به آموزه های دینی و مذهبی، رمز دستیابی به آرامش، سعادت و کمال مطلوب در هر دو سراسر است. اگر به فرایند تربیت که امری پیوسته و همیشگی است، از دوران کودکی و حتی پیش از آن توجه شود، نتایج فردی و اجتماعی فراوانی به دست می آید. البته تأکید آموزه های دینی و روان شناسی بر دوران کودکی، به این معنا نیست که جریان رشد و تربیت انسان، تنها محدود به این دوره است، بلکه پرورش و تربیت انسان در سراسر عمر او تداوم دارد و امکان تحول و سازندگی نیز همواره وجود دارد. از این رو، آگاهی والدین و دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت از مراحل رشد، ویژگی ها، انتظارات و نیازهای کودک در هر دوره، در دستیابی به اهداف تربیتی تأثیرگذار است. همچنین اصول تربیت دینی که مورد توجه رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) بوده است، باید در امر تربیت دینی در نظر گرفته شود. نمادها و مظاهر محبت و اکرام از کوچک ترین تا بزرگ ترین مصادیق آن، در سیره عملی رسول خدا(ص) و اهل بیت(ع) جایگاه ویژه ای دارد.

### منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

### منابع فارسی

۱- اعتمادی، میرزا آقا، اصول و فنون آموزش و پرورش، تهران، آوای نور، ۱۳۷۶ش،

- ۲- ابوطالبی، مهدی؛ *تربیت دینی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)*؛ چاپ سوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸ش.
- ۳- باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۸ش.
- ۴- تقی پور ظهیر، علی؛ *مبانی و اصول آموزش و پرورش*؛ تهران: آگاه، ۱۳۸۶ش.
- ۵- حسینی زاده، علی؛ *سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)*؛ قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سوم، ۱۳۸۲ش.
- ۶- دهخدا، علی اکبر؛ *لغت نامه*؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
- ۷- درایتی، مصطفی، *معجم الفاظ غررالحکم و درر الکلم*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، ۱۳۷۲ش.
- ۸- داودی، محمد؛ *سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) در تربیت دینی*؛ قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سوم، ۱۳۸۶ش.
- ۹- دلشاد تهرانی، مصطفی؛ *سیری در تربیت اسلامی*؛ تهران: ذکریا، چهارم، ۱۳۷۵ش.
- ۱۰- راغب اصفهانی، حسین؛ *مفردات الفاظ قرآن*؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۶ق.
- ۱۱- زاهدی، مرتضی، *فلسفه تربیت و فعالیت های تربیتی*، تهران، آوای نور، ۱۳۷۵ش.
- ۱۲- سیف، سوسن و دیگران؛ *روان شناسی رشد*؛ تهران: سمت، ۱۳۸۲ش.
- ۱۳- شکوهی، غلامحسین، *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، ۱۳۶۸ش.
- ۱۴- شکوهی، غلامحسین، *تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، آستان قدس رضوی*، ۱۳۶۷ش.
- ۱۵- شریعتمداری، علی، *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۷ش.
- ۱۶- فقیهی، علی نقی؛ «*اصول تربیت اسلامی*»؛ فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۴۷، ص ۴۴-۲۱، ۱۳۷۵.
- ۱۷- فقیهی، علی نقی؛ *نگرشی نو بر تاریخ فلسفه*؛ قم: اسلامی، ۱۳۸۹ش.
- ۱۸- فیاضی، علی؛ آشتیانی، محسن؛ *مبانی تربیت و اخلاق اسلامی*؛ قم: روحانی، ۱۳۷۷ش.
- ۱۹- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۲، قم، صدرا، ۱۳۷۱ش.
- ۲۰- مصباح یزدی، محمدتقی؛ *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*؛ تهران: مدرسه، ۱۳۹۱ش.
- ۲۱- محمدی ری شهری، محمد؛ *میزان الحکمه*؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳ش.
- ۲۲- هوشیار، محمدباقر، *اصول آموزش و پرورش*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.

- ۱- ابن منظور؛ محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۶ق.
- ۲- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، [ابی جا] الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
- ۳- ابن شهر آشوب؛ *المناقب*؛ قم: علامه، ۱۳۷۹ش.
- ۴- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ *تحف العقول*؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ۵- الصطفوی، حسن. *مقدمه حول کتاب المصباح الشریعه*، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۹ش.
- ۶- حرعاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعه*؛ قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
- ۷- طبرسی، رضی الدین؛ *مکارم الاخلاق*؛ بیروت: الاعلمی، ۱۳۹۲ق.
- ۸- قطب، محمد. ۱۳۶۲، *روش تربیتی اسلام*، ترجمه جعفری، تهران. انجام کتاب، ۱۳۶۲ش.
- ۹- کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۱۰- مفضل، ابن عمر؛ *توحید مفضل*؛ قم: داوری، بی تا.
- ۱۱- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- ۱۲- متقی هندی، علاء الدین؛ *کنز العمال*؛ بیروت: الرساله، ۱۴۰۹ق.

#### منابع انگلیسی

- ۱- استیس، والتر، *دین و نگرش نوین*، ترجمه احمد رضا جلیلی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷ش.
- ۲- جیمز، ویلیام، *دین و روان*، ترجمه مهدی قائینی، قم، دارالفکر ۱۳۶۷ش.
- ۳- شاتو، ژان، *مربیان بزرگ*، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ش.
- ۴- گیلسر، نورمن، *فلسفه دین*، ترجمه حمیدرضا آیت اللهی، تهران، حکمت، ۱۳۷۵ش.
- ۵- مدلین، ویلیام، *تاریخ آراء تربیتی غرب*، ترجمه فریدون بازرگان دیلمقانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ش.
- ۶- هیوم، رابرت، *ادیان زنده جهان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹ش.